

تحقیق درست

دکتر عبدالحسین زرینکوب

آشنا :

پس از یادکرد از اسناد دکتر زرینکوب و به منظور همسویی در بزرگداشت مقام علمی ایشان ، سر آن داشتیم تا مقالتی تازه را از جناب ایشان دریافت داشته و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهیم . اما پس از تماس با استاد و صلاح‌دید و پیشنهاد ایشان ، بنا شد یکی از مقالات مجموعه « یادداشتها و اندیشه‌ها » ی ایشان چاپ گردد که مقاله زیر انتخاب گردید . هر چند از تاریخ کتابت آن (۱۳۳۷ ش) ، حدود ۴۰ سال می‌گذرد اما مطالب آن همچنان تازه و قابل استفاده است .

اگر با اینهمه محقق که در روزگار ما هست هنوز ادب تحقیقی ما سست و بی‌مایه به نظر می‌آید جای دریغ است اما علت آنست که داعیه‌داران زمان ما کار تحقیق را زیاده‌آسان و خوار مایه گرفته‌اند . تا سی سال پیش که هنوز اینهمه محقق در بین ما ظهور نکرده بود کسانی مانند محمد قزوینی و همگان او ، اگر تحقیقی در مسائل ادبی و تاریخی می‌کردند دقیق و استوار بود . کار اینگونه محققان اگر بسیار نبود و به‌کندی و آهستگی پیش میرفت اما روشن و درست بود و تا حد زیادی مایه خرسندی و اطمینان می‌گشت . چنان محققى چون شوق طلب و درد تحقیق داشت با دقت و حوصله تمام در کشف مطالب و حل دشواریها ، اهتمام می‌ورزید حتی اتفاق می‌افتاد که برای یافتن اصل و تمام شعری تازی که در جهانگشای جوینی آمده بود ، چندین سال وقت و عمر می‌گذرانید . این

مایه شور و شوق البته مایه حیرتست اما تا چنین شور و شوقی در محقق نباشد کار او نمی تواند مایه یقین و موجب اطمینان اهل نظر واقع گردد و حقیقت آنست که همین شور و شوق و دقت و حوصله شگرف است که کار محققان بزرگی مانند شامپولیون و انکتیل دوپرون و فوستل دوکولانژ و بسیاری از همگنان آنها را شکوه و عظمت جاودانه بخشیده است. اما از اینهمه شور و شوق که در کسانی مانند محمد قزوینی با دقت و احتیاطی نزدیک به سر حد و سواس همراه بود، در بسیاری از محققان ما امروزه تقریباً هیچ نمانده است و ازین روست که کار بیشتر محققان ما امروز بیش و کم سست و ضعیف، و آمیخته با بیدردی و شتابکاریست.

شتابکاری

این بیدردی و شتابکاری که آفت عمده کار درست است امروز چنان بر ما چیره گشته است که حتی شور و شوق، و درد و ذوق دانش طلبی و حقیقت جوئی را از کسانی نیز که از عهده کار درست برمی آیند باز گرفته است و ادب تحقیقی ما را چنان ضعیف و بی مایه کرده است. این شتابکاری، محققان ما را بکجا می برد؟ نخست به بیرسمی که آغاز سرگشتگی است. زیرا هر نکته یی که مورد تحقیق اهل نظر است خود مسأله یی دیگرست و راه دیگر دارد که محقق باید رسم و راه غور و تحقیق در آن را بیابد. اما آنکه مجال اندیشه و تأمل ندارد، این رسم و راه را نمی جوید و ناچار دستوری و قالبی ساخته و پرداخته را در تحقیق پیش می کشد و کار او یکنواخت و قالبی و گاه پوچ و بیفایده میشود. این دستور و قاعده ساخته و پرداخته، هم اکنون در کار بعضی از محققان ما هست و کار آنها به همین سبب سست و پست و بی حاصل و یکنواخت شده است. آنجا که تحقیق در باره شخصی، گمنام یا نام آور، مورد نظرست محقق ما دیگر به خود زحمت نمیدهد تا معلوم بدارد در تحقیق حال او چه نکته هاست که باید روشن کرد و کدام مطالب هست که هیچ بجستجو و پژوهش نمی ارزد؟ اگر آنکه احوال او مورد نظرست شاعری یا نویسندگی است به آسانی می توان راجع باو کتابی کلان، و شاید در چندین مجلد نوشت! اما چگونه؟ این را محقق عالیشان شتابکار ما به آسانی و از روی دستور

و قالب معین میتواند انجام بدهد: حامل کار دانشمندان هند و مصر و شام و عراق را نیز به درباره نام و لقب وی، درباره تاریخ ولادت و وفات وی، درباره معاصران و ممدوحان وی، و درباره شماره آثار و سایر احوال وی، اختلافهایی را که همیشه در سخنان تذکره‌نویسان هست، ذکر میکند، و بدون اینکه بخواهد یا بتواند در آن سخنان داوری کند آنهمه را بترتیب، گرد می‌آورد و مخصوصاً به بهانه آنکه اوضاع و احوال محیط و عصر اقلیم و زمانه او را روشن کند تمام اطلاعاتی را که در کتابهای تاریخ مسالك و ممالك در باب شهر و دیار آن شاعر و نویسند، آمده است بتفصیل بی هیچ نقدی و تحقیقی نقل می‌کند و گمان می‌برد که با گرد آوردن چنین کتابی، حقیقت حال آن شاعر و نویسند را تا آنجا که ممکن هست دریافته است و نکته بی ناگفته و ناشناخته باز نگذاشته است و غافلست که ازین تحقیق دستوری و قالبی بیروح و کم مغز، هیچ چیز تازه‌یی در باب آن نویسند و شاعر معلوم نشد، است و در واقع تحقیق و جستجوی او حاصلی نداشته است. آنجا نیز، که سخن در حق پادشاهی بزرگ یا سرداری نام‌آورست محقق که از راه و رسم درست تحقیق بی خبرست، شیوه‌یی و دستوری مبتذل دارد که آسان بکار می‌بندد و گمان می‌کند که از آن حاصلی به دست می‌آورد. اما آن شیوه و دستور قالبی و جامد که البته بهانه‌یی برای کاهلان نامجو بیش نیست بس آسان و ساده است:

تمام روایت‌هایی را که در تاریخ‌ها و کتابها در آن باب هست گرد می‌آورد و بی آنکه اندیشه کند که بسیاری از آن روایات از یکدیگر گرفته شده است همه را در پی هم می‌آورد و مأخذ تازه و کهنه و روایات درست و نادرست همه را به هم در می‌آمیزد و بی آنکه هیچ بتواند در اختلاف این روایتها داوری کند همه را یکجا فراهم می‌آورد و ناچار از جستجوی دراز پردامنه‌یی که در آن باب می‌کند هیچ نتیجه‌یی نمی‌گیرد و کتابی کلان اما پوچ و بیفایده بی‌پردازد که در آن یک سطر تحقیق و یک حرف تازه هم نیست.

و این همه بسبب آنست که محقق ما رسم و راه تحقیق درست را نمی‌داند و چون به شتابکاری خو کرده است فرصت اندیشه در کشف حقیقت را ندارد و بدین جهت از بس شتابکاری، سرگشته میشود و نمی‌داند که مطلوب خود را کجا و در کدام راه باید جستجو نماید.

مایه شرور و شوق البته مایه حیرتست اما تا چنین شود در تحقیق بجا نماند و بیاید بسیار است
 بی دقتی
 آفتی دیگر، سخت تر و زیان انگیزتر از آفت بیرسمی، در کار محققان ما هست که بیدقتی
 است. بیدقتی نیز حاصل شتابکاریست. این بیدقتی در تحقیق بلائی بزرگ است و بسا که از
 آن ضلالت‌های سخن برخاسته است. اتفاق می‌افتد که اشتباه بین دو اسم، محقق را به خطائی
 سخت گرفتار کرده‌است که اندک دقتی ممکن بود او را از عواقب وخیم آن خطا در امان
 نگهدارد. بسیار پیش می‌آید که اعتماد بر نقلی نادرست، محققى ساده دل را گمراه می‌کند و به
 ورطه لغزش می‌افکند. شاید در خیلی از موارد، این بیدقتی از آنجا پدید می‌آید که محقق از
 فرط غرور و خودپسندی همه بر حافظه خویش تکیه می‌کند حقیقت آنست که در کاری از
 اینگونه، اعتماد بر حافظه دام خطاست و از این روست که محققان بزرگ جهان، از این
 اعتماد بر حافظه بر حذر بوده‌اند. مرحوم قزوینی گفته بود که:

من اگر بخوام آیه قل هو الله احد را نیز در جایی بیاورم
 آن را از روی قرآن نقل خواهم کرد.

این اندازه دقت و وسواس، شاید مبالغه آمیز به نظر آید اما به هیچ روی زائد و بی سبب
 نیست و شرط کمال دقت آنست که در هنگام رجوع به مآخذ نیز محقق بدین نکته التفات کند
 که در آن مآخذ هم احتمال خطا و تصحیف هست و تا بدین نکته توجه نکند از آفت بیدقتی در
 امان نخواهد بود.

سرقت

اما محقق را هیچ آفتی ازین بدتر نیست که به «سرقت و انتحال» کار دیگران عادت کند.
 این انتحالگری نیز خود حاصل شتابکاریست.

آن محققى که می‌خواهد در هر زمینه‌ی چیزی بنویسد و در هر مجموعه‌ی مقاله‌هایی به
 امضاء او نشر بیاید تنها راه چاره را در آن می‌بیند که حاصل کار دیگران را غارت کند و به نام
 خود نماید. در بین محققان امروز ما کسانی هستند که از شتابکاری و شهرت جویی، حاصل
 تحقیق دیگران را به غارت می‌برند و انصاف و امانت آنها تنها همین قدرست که نام آن محقق
 غارت زده را نیز جزء ده‌ها مآخذ دیگر که از همان بیچاره گرفته‌اند ذکر می‌کنند. نه فقط

تحقیقات شرقشناسان اروپا، بلکه حاصل کار دانشمندان هند و مصر و شام و عراق را نیز به نام خود نشر می دهند و چنان فراموش می نمایند که گوئی آن تحقیقات را خود، از روی مأخذ اصلی، و بدون اطلاع از مأخذ و تحقیق دیگر انجام داده اند. گاه به سرقت و انتحال تحقیقات دیگران بس نمی کنند، از محققان خودمان نیز که اکثرشان زنده اند و در بین ما راه می روند، بسی مطالب که به غارت می برند، و به نام خود نشر می کنند و با اینهمه، چنان این سرقت ها را با مهارت، می پوشند که از دیده ساده دلان پنهان می ماند و چون مأخذ دست اولی را که آن محقق بیچاره، بعد از سالها جهد و رنج پدید کرده است به عین تکرار می کنند، ساده دلان می پندارند که مگر این محقق تازه کار بی هیچ واسطه یی به همه آن مأخذ دست داشته است.

در کار تحقیق، چیره دستی همه آن نیست که محقق

بداند آنچه باید بنویسد چیست. نکته آنست که محقق

باید بداند کدام چیزهاست که نباید بنویسد.

زیرا، اگر درست است که تحقیق، حجت منطقی است، در ترتیب و ترکیب آن البته هر چه حشو و معترضه است فایده یی ندارد و بلکه مایه تشویش ذهن و بیحاصلی بحث خواهد بود. از این روست که محقق در کار خویش جز در هنگام ضرورت، به استطراد و اعتراض نمی پردازد و از ذکر آنچه بی فایده است و یا ربطی به مطلب او ندارد، احتراز می جوید. اینجاست که بسیاری از محققان امروز، خطا کرده اند و به گمراهی افتاده اند.

مثال

فلان محقق می خواهد در باب نویسندگی یا دانشمندی از اهل بلخ یا خوارزم سخن بگوید که در قرن چهارم هجری می زیسته است درست است که باید محیط او را درست بشناسد و نیک بیان نماید اما لازمه این کار آن نیست که تاریخ بلخ یا خوارزم را از کهنه ترین روزگاران تمدن آغاز کند همین بس که احوال و اوضاع آن سرزمین را در همان قرن چهارم هجری بیان نماید و اگر مرده ریگ تاریخ گذشته را نیز در سرگذشت آن نویسنده یا دانشمند، تأثیری و نفوذی بوده است آن را نیز بدقت دریابد و بشرح باز نماید والا محقق اگر عنان قلم را فروگذارد شاید کارش، بدانجا بکشد که در تحقیق حال هر شاعر و نویسنده یی تمام تاریخ جهان را بگنجاند و از تحقیق و جستجوی خویش هرگز نتیجه یی نگیرد و هیچ مشکلی را در احوال آن شاعر و نویسنده که منظور است حل ننماید.

قدم اول در تحقیق :

جستجوی مآخذ و رجوع به همه آن موارد - که شاید ذکری از مطلب مورد نظر در آنها باشد - اولین قدم در راه تحقیق درست است. زیرا چون تحقیق نوعی حجت منطقی است، هر قدر در آن به مآخذ گوناگون رجوع افتد، حجت قوی تر و استقراء کاملتر خواهد بود. اما جستجوی مآخذ، دنت و حوصله می خواهد و محققان بزرگ که شوق و درد تحقیق و طلب داشته اند بسا که در جستجوی کتابی نادر رنجها برده اند :

بیرونی در جستجوی « سفرالاسرار » مانی، چهل سال رنج برد تا سرانجام

بدان دست یافت، و حنین بن اسحق برای بدست آوردن بعضی از آثار

جالینوس مجاهده های سخت کرد.

و چه مایه تفاوت هست بین آن محققان که عمری را در جستجوی کتابی می گذرانند تا مگر در آن نکته بی یابند و مشکلی را بدان حل کنند با این بی همتان رزگار ما که از طلب و جستجوی کتابهایی نیز که در اروپا یا مصر یا هند چاپ شده است غفلت و تغافل می ورزند و به بهانه اینکه بدان کتابها دسترس نداشته اند خود را از فواید و برکات تحقیق دقیق محروم می دارند.

حقیقت آنست که کار محقق حوصله و دنت می خواهد و درین کار هرگز نمی توان به عذر آنکه وسائل و اسباب درست و تمام فراهم نیست دست از طلب باز داشت. زیرا آنجا که وسیله تحقیق فراهم نیست اصلاً بحث و غور در امری چه ضرورت دارد و تحقیق ناقص ناتمام بی اعتبار چه تکتی بی روشن می کند و غیر از « حرف مفت » چه نام دیگری بر آن می توان نهاد ؟

استنباط :

دقت در استنباط نیز از لوازم و شروط کار تحقیق است و محقق راستین باید که در بدست آوردن نتایج و احکام، شتاب بیهوده نرزد و از مدارک و مآخذ نیز فقط آنچه را در آنها هست استنباط کند تا به آفت گزاف گویی و خیال پروری دچار نیاید و از راه تحقیق درست منحرف نگردد. از اینها گذشته، باید که محقق در شناخت ارزش اسناد و مآخذ نیز آن اندازه دقت و احتیاط داشته باشد که فریب لافها و گزافها و شوخیها و نادرستیهای مؤلفان اسناد و مآخذ را نخورد و آنها را بیهوده راست و درست و بی خلل نپندارد و البته لازمه این

مایه دقت و احتیاط، آنست که آزاداندیشی و حق‌پرستی در وی بدان پایه رسیده باشد که بتواند نتیجه درست تحقیق خود را بی ملاحظه و بدون روی و ریا بیان کند و تعصب و غرض، او را از بیان حقیقت باز ندارد. شرط این مایه حق‌پرستی و آزاداندیشی نیز آنست که محقق پیش از شروع تحقیق، نتیجه مطلوب را در نظر نگرفته باشد و در حقیقت برای تأیید اندیشه قبلی خویش، از راه تحقیق، به جستجوی شاهد و سند نپرداخته باشد.

نقل مآخذ:

اما آنچه از جستجوی مآخذ نیز مهم‌ترست، دقت در نقل مآخذ و در استفاده از آنهاست. محقق باید از مدارک و اسناد خویش، باصطلاح امروزه «سوء استفاده» نکند و «پرونده دروغین» نسازد، بلکه به قول لوسین - نویسنده خوش ذوق یونان قدیم - :

«انجیر را انجیر بگویند و کشتی را کشتی»

و این نکته از شروط عمده و مهم کار هر محقق و هر مورخ آزاده و درست خواهد بود. با اینهمه، جستجوی مآخذ و استفاده درست از آنها، وقتی ضامن درستی و استواری کار محقق تواند بود که در ذکر آن مآخذ نیز محقق، بخل و خست یا بدسگالی و بی‌قیدی به کار نبرد و از هر کسی و هر جایی که مطلبی و نکته‌ی گرفته است به اسم و رسم و بدون روی و ریا، آن را آشکارا بازگوید و مطالب و مآخذ دیگران را به خود منسوب ندارد؛

و حق آنست که محقق با ذکر این اسناد و مآخذ، بر اعتبار قول خود می‌افزاید و از بار مسئولیت خویش می‌کاهد؛ و برای آن کسی هم که در کتاب او نظر می‌کند این مایه یقین حاصل می‌شود که وی از نتایج تحقیق دیگران، در این مورد بی‌خبر نبوده است و در هیچ موردی نیز قول او بی‌حجتی نبوده است و اگر خطایی بر دست او رفته است آن نیز از جانب او نیست، از ناحیه کسانی است که سخنانشان مآخذ وی بوده است.

در هر حال، محقق که بدین نکته التفات ندارد و به عمد یا سهو، از ذکر مآخذ و مراجع خویش دریغ می‌ورزد، هم به سرقت و انتحال متهم می‌شود و هم مسئولیت اشتباه و خطای دیگران را به گردن می‌گیرد و در همه حال، کار او در نظر اهل تحقیق پست و بی‌ارج و بازاری جلوه خواهد کرد. لیکن هر چند ذکر این مآخذ و اسناد بر محقق واجب است، افراط و مبالغه در این کار نیز پسندیده نیست و نشانه کژ ذوقی و خودفروشی و گرانجانی است. و آن محقق که در ذکر مآخذ گونه‌گون افراط می‌کند و برای هر قول متداول و مشهوری نیز به ذکر مآخذ و

نقل اسناد می پردازد، مانند کسی است که در هر سخن بیهوده سوگند می خورد و ناچار شنونده را به شک و انکار وامی دارد و پیداست که این «توضیح واضح» را خوانندگان جز بر فضل فروشی و خودنمایی محقق حمل نخواهند کرد و از آن به جد سودی نخواهند جست.

نقادی: باری، در این مآخذ و اسناد که محقق با رنج و جهد بسیار از گوشه و کنار به دست می آورد، البته باید به دیده دقت و نقادی بنگرد. بسا که اسمی یا تاریخی در آن مآخذ که در دست وی هست به غلط یا به تحریف آمده باشد. در این صورت پیداست که اگر محقق بنای کار خویش را بر حسن ظن فراوان بگذارد، هرگز نخواهد توانست آن غلط یا تحریف را درست نماید و اینجاست که وسواس و احتیاط بیرون از اندازه نیز مطلوب و پسندیده می نماید و حتی شرط کار درست قرار می گیرد و شک نیست که برای اصلاح و تصحیح چنین خطائی جستجو در کتابها لازم می آید و تا محقق، کتاب شناس نباشد از این ورطه رهایی نخواهد داشت. اما شناخت کتاب، همه آن نیست که مانند کتاب شناسان امروز ما، از کتاب تنها اسم و تاریخ طبع و تألیف و نوع کاغذ و جنس جلد و اندازه بهای آن را بدانند و از مطالبی که در آنها هست و از ارزش و اعتبار و صحت و سقم آن مطالب بکلی بیخبر باشند.

محققی که ارزش و اعتبار واقعی مطالب هر کتابی را نداند مآخذ و اسناد او به هم در می آمیزد و تحنیقات او پست و بلند می شود و مایه قبول و اطمینان نخواهد گشت؛ و تازه آن محقق هم که ارزش و اعتبار مآخذ و اسناد خویش را به درست می داند و در روایات، میان درست و نادرست و استوار و سست، تفاوت می نهد، برای تصحیح و اصلاح اغلاط و اشتباهاتی که در مآخذ و مراجع او هست بسا که باید به دقت تمام در کتابهای دیگر جستجو کند و روزها و هفته ها در پی لغتی یا لفظی بگردد و برای صحت یا سقم استعمال آن شواهد و دلائل از مآخذ درست و معتبر پیدا کند تا از عبارتی که در مآخذ او هست معنی درست و دقیق آن را بتواند استنباط نماید. و این نکته شان می دهد که:

میدان تحقیق تا چه حد فراخ است و محقق در جستجوهای علمی خویش تا چه اندازه باید به افق های دور دیده بدوزد و چگونه باید همه جوانب و اطراف خویش را با زیرکی و هشیاری بنگرد. بدینگونه، راه تحقیق، راهی سخت دراز آهنگ و ناهموار و پیچان است و پیمودن آن مرد دلیر می خواهد و روح گستاخ و همت نستوه. ■ (مرداد ۱۳۳۷ ش)